

حاشیه ای بر

دولت متخاصم

امیرفیض-حقوقدان

نظربه اینکه قوه قضائیه جمهوری اسلامی اخیرا در حکمی که درمحکومیت فردی با تابعیت دوگانه آمریکا و ایران صادرکرده از آمریکا بعنوان دولت متخاصم نامبرده و این اقدام که امری بیسابقه درحقوق بین الملل محسوب میشود مورد نقد آقای بهمن اقائی دیبا، حقوق دان خبرگزاری بی بی سی قرارگرفته است. ملاحظه مقاله ایشان که درتاریخ ۲۶ اکتبر (تیر شید پنجم آبان ۲۵۵۵) انتشاریافته نیازبه حاشیه ای دارد که اکنون تقدیم میشود.

نویسنده محترم، دولت متخاصم را از نظر حقوق بین الملل و اینکه معنای تخاصم بین دول وجود حالت جنگی است تشریح کرده است ولی به این موضوع توجه نکرده که بحث متوجه عمل جمهوری اسلامی است نه یک دولت مقید به روابط حقوق بین الملل.

جمهوری اسلامی درفصل دهم قانون اساسی بحث سیاست خارجی موقعیت خودرا در رابطه با دول دیگر مشخص کرده است و دراصل ۱۵۲ کشورهای جهان رابه دو قسمت **محارب و غیرمحارب** قسمت کرده است و در نتیجه، اصل روابط صلح آمیزی که منشور سازمان ملل برآن تصریح دارد را محکوم کرده است.

محاربه دراصل به معنای جنگ و ستیزه با مسلمانان است؛ که ناشی از جنگ با خدا و پیامبر شناخته میشود و در تجزیه و تحلیل آن برای تعلق حد، به اقدامات افراد و گروهها تسری یافته است، تشخیص کشورها از جهت محاربه و یا غیرمحاربه با کشور مسلمان است.

رهبر جمهوری اسلامی صریحا آمریکا رابه دشمن با جمهوری اسلامی متهم کرده و دستور تقویت قوای نظامی راداه و سپاه پاسداران و ارتش در ماموریت تدارک تجهیزات جنگی هستند.

نویسنده استناد به نامه وزارت خارجه جمهوری اسلامی کرده که میگوید: >هیچ دولتی با ایران در حالت تخاصم نیست< و بعد این نتیجه را گرفته که قوه قضائیه نمیتواند در کار دولت دخالت کند

البته که از نظر حقوقی قوه قضائیه و همچنین قوای دیگر حق مداخله در امور یکدیگر را ندارند ولی

این حکم کلی در مورد مانحن فیه صادق نیست زیرا اساسا وزارت خارجه جمهوری اسلامی نمیتواند وحق ندارد که برخلاف سیاستی که درفصل دهم تحت عنوان سیاست خارجی جمهوری اسلامی مقید ساخته عمل کند.

درکلامی روشن نامه وزارت خارجه جمهوری اسلامی برطبق موازین قانون اساسی ان کشور نبوده است.

❏ **قانون اساسی جمهوری اسلامی در قسمت مقدمه وظیفه ارتش و سپاه پاسداران را اینطور توضیح داده است: <نه تنها حفظ و حراست از مرزها بلکه با رسالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان.>**

این تعهد بزرگ برای جمهوری اسلامی معنایی جز حالت جنگ و خصومت آنهم در حد تحمیل اسلام به ملت های جهان ندارد بنابراین اقدام قوه قضائیه در نامبری از آمریکا بعنوان دول متخاصم قطره ای است از حقوقی که قانون اساسی جمهوری اسلامی مقرر کرده است چه کسی میتواند ادعا کند این خواست و هدف جمهوری اسلامی در صادر کردن اسلام و انقلاب اسلامی به کشورهای جهان میتواند بدون جنگ و خصومت باشد.

خامنه ای در سخنرانی دهم شهریور ماه سال جاری گفت: **<باید توان تهاجمی را افزایش داد>** این تهاجم برای چیست؟ قانون اساسی جمهوری اسلامی جواب آنرا روشن داده است **برای جنگ با دول متخاصم و اسلامی کردن جهان.**

❏ **جمهوری اسلامی در توضیح قوه مجریه صریحا تمام قوانین بین المللی از جمله منشور سازمان ملل و اعلامیه جهانی حقوق بشرو کنوانسیون ها و امثالهم را <محصور شدن در هر نوع نظام دست و پاگیر.....> دانست و آنرا نفی میکند یعنی صریحا خود را متعهد به رعایت هیچیک از اصول حقوق بین الملل و عهدنامه های بین کشورها نمیداند.**

❏ **مواردی که به اختصار عرض شد همه لازمه و در جهت سیاست اسلامی کردن همه کشورهای جهان است که نمیتواند جز از طریق جهاد که قانون اساسی جمهوری اسلامی هم به آن توجه کامل داشته از قوه به فعل درآید، نام این را چه میتوان نهاد جز حالت خصومت بین جمهوری اسلامی و تمامی کشورهای غیر اسلامی جهان.**

❏ **بر اساس اصل چهارم قانون اساسی تشخیص اینکه کلیه مقررات و قوانین کشور با موازین اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی هست یا خیر بر عهده شورای نگبان است، نه نویسنده محترم که اظهار نظر کرده اند که اقدام قوه قضائیه خلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی است.**

❏ **نویسنده <مدعی است که متخاصم شناختن یک دولت، خارج از حدود اختیارات قضات است> کاملا درست است ولی ایشان از این توجه دور مانده اند که متخاصم شناختن کشورها امری است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ذکر شده نه اقدام یکطرف قوه قضائیه.**

❏ **نویسنده در پایان این توجه را داده که «استفاده از واژه دولت متخاصم میتواند در بلند مدت عواقب بین المللی هم برای ایران داشته باشد».**

توجه کاملاً بجائی است ولی آیا سی وهفت سال وجود این تصریحات و حقوق یکطرفه برای جمهوری اسلامی که اثرات تالم بار ومصیت زای آن بر همه جهانیان آشکاراست کافی نیست که نویسندگان عواقب بلند مدت آن میباشد؟ فساد را باید از سرچشمه گرفت نه در بلند مدت.

دستآورد این حاشیه

جمهوری اسلامی نمیتواند با داشتن قانون اساسی کنونی که مغایر با منشور سازمان ملل و اعلامیه جهانی حقوق بشر است عضو سازمان ملل متحد و یا حتی عهدنامه های بین المللی باشد. هیچ کشور در جهان حتی کشورهای اسلامی این چنین حالت خصمانه که جمهوری اسلامی در قانون اساسی اش مقرر کرده و ملت خود را مقید با جهاد کشورهای کفر جهان ساخته دیده نمیشود، این یک ننگ برای سازمان ملل و تمامی کشورهای عضو است که کشوری با آن خصوصیات مندرج در قانون اساسی خود عضو سازمان ملل باشد.

بنابراین جمهوری اسلامی حالت آپاندیسی را دارد که قبل از اینکه غده چرکین آن فرا گیر شود باید از پادر آید و راه معقول و حقوقی آن، اقدام سازمان ملل است به اینکه جمهوری اسلامی عضویتش در سازمان ملل معلق خواهد بود مادامی که قانون اساسی آن کاملاً منطبق با اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور سازمان ملل متحد نشود.

این نکته توجه کردنی است که اعتراضات جهانی از باب عدم رعایت اعلامیه جهانی حقوق بشر و یا کمک به سازمان هایی تروریسی و امثال آنها هیچیک وارد نیست، زیرا جمهوری اسلامی این اقدامات و حقوق را در قانون اساسی خودش منظور و اعلام کرده است و سازمان های بین المللی با توجه به این امتیازات مخرب ، جمهوری اسلامی را بعضی وقت سازمان ملل و یا عهدنامه های بین المللی شناخته اند .